**عنوان مقاله** : جرایم مبتی بر نفرت

نگارنده : امید امامی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی

واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

**جرایم ناشی از تنفر جرایمی هستند که مرتکب آن ها قربانی را براساس تعصب ها انتخاب میکند. بدین مفهوم که مرتکب از گروه های اجتماعی خاص متنفر است و به دلیل باورهای خود تنفرش را با ارتکاب جرایم مختلف بر علیه اموال ،جان، و یا آبروی قربانیان ابراز می نماید. ممکن است این گروه های اجتماعی در جامعه ای که او زندگی می نماید در اقلیت و یا در اکثریت باشند. این گروه های اجتماعی خاص براساس دین ، مذهب، نژاد ، تمایلات جنسی ناتوانی، جنسیت ، ملیت ، سن، هویت جنسی ، و وابستگی سیاسی توسط مجرم انتخاب می شود.**

**کلمات کلیدی : جرم ،نفرت ،تنفر**

مقدمه

**امروزه جرم و بزهکاری یه یك معضل جدی در سراسر جهان تبدیل و این موجب نگرانی قانونگذاران، جرم شناسان، قضات، فعالان حقوق بشر و مردم شده است. گاه ضرورت های اجتماعی و امنيتی و حقوق بشری به خلق جرایم جدیدی می انجامد که در این زمينه جرم انگاری جرایم زیست محيطی و جرایم سایبری در این زمينه قابل ذکر اند.**

**یکی از چالش های مهم امنيتی و حقوق بشری برای بسياری از کشورها در جهان معاصر، جرایم ناشی از**

**نفرت است. جرایم ناشی از نفرت به اقتضای برخی معضلات و مشکلات اجتماعی و حقوق بشری و کثرت وقوع از دهه 1980 مطرح و وارد قلمرو حقوق کيفری و جرم شناسی شده است. این جرایم توصيف جدیدی از پاره ای جرایم سنتی است که «انگیزه نفرت و تعصب» آن را از جرایم دیگر متمایز می کند.**

**1**- تعریف جرم ناشی از نفرت

**نویسندگان مختلف، تعاریف متعددی از جرم ناشی از نفرت کرده اند و در نظام های حقوقی مختلف هم رفتارهایی که شامل این جرایم می شوند، متنوع هستند. لذا تفاوت ها و مشابهت هایی در تعریف جرایم ناشی از نفرت به چشم می خورد که برای روشن تر شدن بحث، ذکر دقيق آنها ضروری است.**

**1- طبق یك تعریف، جرم ناشی از نفرت جرمی است که در آن، قربانی به دلایل واقعی یا تصور شده نژادی، رنگ،مذهب، معلوليت، گرایش جنسی یا اصالت ملی توسط مرتکبُ انتخاب می شود.[[1]](#footnote-1)**

**2- «قانون کنترل جرایم خشن و قانون اجرای عدالت»و قانون جرایم ناشی از نفرت مصوب سال2000 نیویورک، مقرر می کند جرم ناشی از نفرت جرمی است که مرتکب، عمدا قربانی را به خاطر نژاد، رنگ، مذهب، اصالت ملی، قوميت، جنسيت، معلوليت یا گرایش جنسی انتخاب می کند؛ حتی اگر قربانی به گروه موردنظر مرتکب تعلق نداشته باشد. فلذا صرف تصور مرتکب به این که قربانی متعلق به این گروه ها است، کافی است.[[2]](#footnote-2)**

**3- طبق تعریف دیگر، جرم ناشی از نفرت جرمی است که دارای شواهد آشکار از تعصب بر اساس نژاد، مذهب،گرایش جنسی یا قوميت باشد.[[3]](#footnote-3)**

**4- جرم ناشی از نفرت هر عمل مجرمانه ای است که با خصومت و تعصب نسبت به یك فرد بر اساس ویژگی هایی چون نژاد و مذهب و رنگ و قوميت و گرایش جنسی ارتکاب می یابد.[[4]](#footnote-4)**

**5-بر اساس تعریفی دیگر، جرم ناشی از نفرت اعمال مجرمانه ای است که به خاطر تفاوت واقعی یا تصور شده قربانی از مرتکب ارتکاب می یابد.**

**با عنایت به تعاریف مذکور، به نظر نگارنده می توان یك تعریف کامل و جامع از جرم ناشی از نفرت به شرح زیر ارائه داد: هر فعل یا ترك فعلی که با انگيزه نژادی، قومی، مذهبی، مليتی، جنسيتی، گرایش جنسی یا معلوليت و ناتوانی قربانی ارتکاب یافته و مبتنی بر نوعی تعصب باشد، جرم ناشی از نفرت تلقی می شود. برای روشن تر شدن تعاریف فوق، به ذکر نکات مشترکی که از این تعاریف استنباط می شود، می پردازیم :**

**نخست این که، جرم ناشی از نفرت یك جرم عمدی است و از روی آگاهی و سوء نيت ارتکاب می یابد. چون مرتکب قربانی را انتخاب می کند و انتخاب قربانی یك فرایند عمدی است. لذا تصور غيرعمدی بودن ابن جرایم غیرممکن است و هيچگاه جرم ناشی از نفرت به صورت غيرعمدی صورت نمی گيرد.**

**دوم این که مرتکب جرم ناشی از نفرت و قربانی آن، از دو گروه متفاوت هستند. مثلا یك سياه پوست یك**

**سفيدپوست را مورد هدف قرار می دهد یا برعکس. اما هم گروه بودن آنها مثل این که هر دو سياه پوست باشند، اگر نگویيم کاملا محال، اما بسيار نادر است. بنابراین تعاریف مذکور، انگيزه مشخصی برای ارتکاب جرم را تعيين می کنند و تحقق جرم ناشی از نفرت مستلزم آن است که تفاوت های نژادی، مذهبی، قومی و یا برخی تفاوت های مشخص دیگر بين قربانی و مجرم در عمل مجرمانه نقش هرچند کمی داشته باشد.[[5]](#footnote-5)**

**سوم این که اشتباه در تصور، که در نظام حقوقی ایران همان اشتباه در هویت یا شخصيت است، مانع تحقق جرم ناشی از نفرت نمی شود و حتی اگر قربانی به یك گروه تعلق نداشته باشد و مرتکب با تصور اینکه وی به گروهی تعلق دارد مرتکب جرم شود، همچنان محکوم به جرم ناشی از نفرت خواهد شد. در اشتباه در هویت، مرتکب با این تصور که بزه دیده دارای یك ویژگی قومی یا نژادی یا مذهبی خاص است، وی را مورد هدف قرار می دهد اما بعداً معلوم می شود بزه دیده از گروه مورد نظر مرتکب نبوده و به گروه دیگری تعلق داشته است. در این صورت نيز انگيزه نفرت در مرتکب وجود دارد. در بخش عنصر روانی این جرایم به این موضوع پرداخته شده است.**

**2- ویژگی های جرایم ناشی از نفرت و تفاوت آنها با سایر جرایم**

**جرایم ناشی از نفرت ویژگی هایی دارند که موجب تفاوت های اساسی با جرایم دیگر می شوند و این ویژگی ها خاص این جرایم است. در ادامه به بررسی این ویژگی ها می پردازیم.**

**2-1-** نفرت آلود بودن جرم و وجود انگیزه نفرت در مرتكب جرم

**جرائم ناشی از نفرت، همانطور که در تعریف این جرایم اشاره شد، جرایم مبتنی بر انگيزه نفرت قومی و نژادی و... است. قيد«به علت ویژگی ذاتی قربانی»در تعاریف قانونی جرم ناشی از نفرت، نشان دهنده انگيزه و هدف اصلی مرتکب در ارتکاب این جرایم است. در واقع، علاوه بر قصد و سوء نيت مرتکب ، باید انگيزه تعصب و نفرت هم در او وجود داشته باشد.**

**مطابق تعاریف ارائه شده، انگيزه این جرایم گاهی بر اساس نفرت و گاه بر اساس تعصب شکل می گيرد و در برخی تعریف ها انگيزه نفرت با دشمنی و خصومت منع شده نسبت به بزه دیده همراه است. انگيزه ارتکاب جرم می تواند به طور کلی یا فقط مربوط به بخشی از جرم باشد و این انگيزه در این گونه جرم ها مثبتِ عمدی بودن آن است هرچند که به طور استثنایی قتل غيرعمد بدون بی مبالاتی در برخی نظام های حقوقی واجد عناصر تشکیل دهنده جرم ناشی از نفرت باشد، مشمول این قوانين قرار می گيرد.[[6]](#footnote-6) پس اگر فردی نژادپرست جرم سرقتی عليه یك مرد مسلمان انجام دهد، چنانچه معلوم شود جرم برای به دست آوردن پول و نه به خاطر مسلمان بودن قربانی ارتکاب یافته است، نمی توان او را به عنوان ارتکاب جرم ناشی از نفرت تحت پيگرد قانونی قرار داد.[[7]](#footnote-7) نحوه برخورد با مال در جرام عادی و بدون انگيزه نفرت، این گونه است که چيز با ارزشی برداشته می شود. اما در جرم ناشی از نفرت، مال با ارزش به خاطر وجود حس نفرت به سرقت رود، و مورد خسارت یا تخریب قرار می گيرد.[[8]](#footnote-8) لیکن اصل بر عدم وجود انگيزه نفرت در جرایم است و بار اثبات آن بر عهده دادستان است و در مورد شبهه و تردید باید بر اساس اصل عدم انگيزه، مرتکب را از اتهام جرم ناشی از نفرت تبرئه کرد. لذا به منظور محاکمه شخص به خاطر جرم ناشی از نفرت ، دادستان باید انگيزه نفرت آميز مرتکبُ برای ارتکاب جرم را اثبات کند.**

**2-2-** فقدان رابطه میان بزهكار و بزه دیده

**براساس یافته های مطالعات بزه دیده شناسی علمی، جرم معمولا مبتنی بر وجود نوعی رابطه ميان بزهکار و بزه دیده دیده بحث کرده اند. اما مطالعات درباره جرایم ناشی از نفرت و قربانيان این جرایم نشان دهنده این است که این جرایم بيشتر توسط یك بيگانه ارتکاب می یابند؛ یعنی توسط کسانی که قربانی را نمی شناسند و با او هيچگونه رابطه ای ندارند. این جرایم توسط اعضای خانواده عليه یکدیگر و یا عليه هم گروه های خود مرتکب، ارتکاب نمی یابند. در جرایم عادی، مرتکب یك خصومت شخصی را حل و فصل می کند یا از جرم منتفع می شود اما در جرم ناشی از نفرت، هيچ منفعتی عاید مرتکب نمی شود و خصومت شخصی رفع و حل نمی شود.[[9]](#footnote-9) بر اساس مطالعاتی که روی بزه دیدگان 452 فقره جرم ناشی از نفرت در آمریکا در سال1999 انجام شد، معلوم گردید که85 درصد از هویت مرتکبان برای قربانيان ناشناخته بوده است.[[10]](#footnote-10)**

**2-3**- خشونت آمیز بودن:

**یکی دیگر از خصوصيات جرایم با انگيزه تعصب و نفرت، این است که این جرایم غالبا خشونت آميز بوده و درطبقه بندی جرایم از لحاظ جرم شناختی، در ردیف جرایم کلسيمی قرار می گيرند؛ یعنی با استفاده از نيروی جسمانی و زور و خشونت انجام می شوند. مثل انواع قتل ها و ضرب و جرح ها، آتش سوزی ها، تخریب ها و تجاوز به عنف. درنتيجه، در این جرایم صدمات جسمانی بيشتر است و مرتکبان از سلاح نيز استفاده می کنند. البته این سخن به این معنا نيست که در جرایم غيرخشونت آميز، امکان ارتکاب جرایم ناشی از نفرت وجود ندارد.**

**سطح و ميزان شرارت در جرم ناشی از نفرت، اغلب بالاتر از جرمی ساده است. مثلا اگر قتل عمدی به وقوع بپيوندد، امکان دارد صد ضربه چاقو هم زده شود یا جسد سوزانده شود. لذا در جرایم ساده و بدون انگيزه نفرت، ميزان خسارات فیزیکی یا بدنی وارده نوعاً بسيار زیاد نيست، اما در جرم ناشی از نفرت، خشونت فوق العاده است و بيشتر اوقات سه برابر بيشتر از جرم عادی است و بزه دیده به مراقبت در بيمارستان نياز پيدا می کند. علاوه بر آن، حملات در جرم ناشی از نفرت غيرتصادفی است. مرتکبان بيشتر اوقات چند نفر هستند و خودشان را مسلح می کنند و به بزه دیدگان غيرمسلح و جوان و ضعيف حمله می کنند. طبق آمار اف.بی.آی حدود 70 درصد جرایم ناشی از نفرت گزارش شده در سال 1996 شامل حملات عليه اشخاص بوده است و از حملات ساده تا شدید و تجاوز و قتل متغير بوده است. این ویژگی جرایم ناشی از نفرت این نکته را نشان می دهد که این جرایم، جرایم « پيغام دار» هستند و هدف از آنها ارسال پيغام به گروه قربانی است پيامد تعصب و نفرت، خشم است.[[11]](#footnote-11) یافته های مرکز مطالعات ملی بزه دیدگان جرایم در امریکا نشان می دهد که جرایم ناشی از نفرت معمولا همراه با اعمال خشونت بر بزه دیدگان همراه می باشد. در بين سال های2000 تا 2003 که به طور ميانگين در هر سال حدود210000 نفر قربانی جرم ناشی از نفرت در ایالات متحده وجود داشته است، از این تعداد حدود62 درصد جرایم عليه اشخاص و بقيه به صورت جرایم عليه اموال و مالکیت بوده است و از جرایم عليه اموال و مالکیت 83 درصد افعال به صورت تخریب کردن، آسيب رساندن یا خرابکاری و یا سرقت بوده است. آمارهای جنایی حکایت از آن دارند که7/83 درصد از جرایم ناشی از نفرت از جنس جرایم خشونت آميزی مانند تجاوز جنسی، سرقت مسلحانه و ضرب و جرح شدید بوده اند حال آنکه تنها9/22 درصد از جرایمی که با انگيزه نفرت ارت اُب نيافته اند از این قبلی بوده اند.**

**3**- ارکان تشكیل هنده جرم ناشی از نفرت

**3-1-** عنصر قانونی جرم ناشی از نفرت

**در مورد عنصر قانونی جرایم ناشی از نفرت در کشور های مختلف دو رویکرد وجود دارد. رویکرد اول، جرم انگاری مستقل جرایم ناشی از نفرت است." جرم مستقل" شامل یك جرم جداگانه ای است که شامل انگيزه تعصب به عنوان یك عنصر جدایی ناپذیر در تعریف قانونی جرم است. ایالات متحده جمهوری چك و انگلستان، جرائم خاصی را وضع کرده اند که شامل انگيزه تعصب هستند. بسياری از کشورهای دیگر این نوع قوانين را ندارند.[[12]](#footnote-12) به عبارتی، در این نوع قوانين، جرم ناشی از نفرت به طور مستقل و جداگانه جرم انگاری شده و برای آن یك مجازات اصلی تعيين شده است نه افزایش مجازات.**

**مثلا بخش29-32 قانون جرم و بی نظمی کشور انگلستان مصوب سال1998 جرایم جدید حمله، ایراد آسيب، آزار و اذیت و جرایم نظم عمومی همراه با" تشدید نژادی" و " تشدید مذهبی" ایجاد کرده است.**

**رویکرد دوم، افزایش مجازات برای این نوع جرایم است. افزایش مجازات به عنوان " شرایط مشدده" شناخته می شود و می تواند برای ایجاد یك جرم ناشی از نفرت مورد استفاده قرار گيرند. به عبارت ساده، در این رویکرد مجازات برای یك جرم اصلی هنگامی که با یك انگيزه تعصب ارتکاب یابد، افزایش می یابد و مجازات اصلی برای آن تعيين نمی شود و صرفا برای جرایمی که قبلا جرم انگاری شده است، در صورت وجود انگيزه نفرت و تعصب در آنها، کيفر افزایش می یابد. در امریکا قوانينی برای افزایش کيفر برای جرایم ناشی از نفرت وجود دارد که در فصل اول و تاریخچه مورد بررسی قرار گفت. به عنوان مثال« قانون کنترل جرایم خشن و قانون اجرای عدالت» [[13]](#footnote-13) برای جرایمی که بر اساس نژاد، رنگ، مذهب، اصالت ملی، قوميت یا جنسيت ارت اُب می یابد، هرچند قربانی به این گروه ها تعلق نداشته باشد**

**و مرتکب با تصور تعلق افراد به این گروه ها مرتکب شود، افزایش مجازات مقرر می کند و اولين بار، ویژگی معلوليت و ناتوانی را به این گروه ها افزود و معلولين را از قربانيان جرایم ناشی از نفرت محسوب کرد. یا قانون پيشگيری از جرایم ناشی از نفرت ماتيو شپارد و جيمز بایرد. که رئيس جمهور امیریکا، باراك اوباما در2009 آن را امضا کرد. این قانون برای اولين بار، جرایمی را که با انگيره نفرت عليه گرایشات جنسی، هویت جنسی وجنسيت افراد و همجنس گرایان ارتکاب یابد، داخل در جرایم ناشی از نفرت کرد.[[14]](#footnote-14)**

**3**-2- عنصر مادی جرم ناشی از نفرت

**3-2-1-** رفتار مرتكب

**جرم لزوما با وجود یك عمل عينی و خارجی توسط فاعل آن آشکار می شود و زمانی قابل تعقيب است که به صورت عمل خارجی فعليت و عينيت پيدا کند. لذا فکر و اندیشه امری شخصی و درونی است و هرکس می تواند ارتکاب اعمال مجرمانه خوب و بد را در مخيله خود بپروراند.[[15]](#footnote-15) رفتار فیزیکی به معنای حرکت عضوی از جسم انسان است و لزوم رفتار فیزیکی مقتضی آن است که فقط اعمال خارجی، قابل تعقيب و مجازات باشند و افکار و اندیشه های درونی، در حيطه ی نظارت قانون قرار نمی گيرند. رکن مادی و فیزیکی در همه ی جرایم لازم است و تفاوتی ميان جرایم عمدی و غيرعمدی وجود ندارد و ملاك تمایز این دو دسته از جرایم، در عنصر معنوی آنهاست.[[16]](#footnote-16) لیکن جرایم ناشی از نفرت، فقط جرایم عمدی و توام با سوء نيت را در بر می گيرد. بر این اساس، جرایم ناشی از نفرت نيز باید به صورت یك فعل مادی و خارجی عينيت پيدا کنند و صرف داشتن عقيده تعصب آميز یا نفرت آلود جرم نيست و بسته به نوع جرم ارت اُبی، جرم ناشی از نفرت ممکن است اشکال مختلفی از یك توهين ساده گرفته تا قتل عمد داشته باشد.**

**اعمال خشونت بار ناشی از نفرت باید به خودی خود واجد جنبه کيفری باشد. توهين، تهدید، آزار، حمله ساده و مشدده، ضرب و جرح، تخریب، آتش سوزی، زنای به عنف و قتل که از زمره رفتارهای مجرمانه محسوب می شوند، چنانچه با انگيزه نفرت یا تعصب همراه باشد، از مصادیق این جرم ها به شمار رفته و مشمول قوانين جرایم ناشی از نفرت می شوند.**

**3-2-2**-موضوع جرم ناشی از نفرت و ویژگی های مورد حمایت

**همانطور که ملاحظه شد، جرایم ناشی از نفرت اغلب جرایم عليه اشخاص و یا جرایم عليه امنيت عمومی هستند.**

**چون در این جرایم، قربانی یك انسان است. در جرایم ناشی از نفرت، انگيزه های مالی و اقتصادی خيلی کمتر است و لذا آمار جرایم ناشی از نفرت عليه اموال و با انگيزه های مالی مانند سرقت، کلاهبرداری و جعل، بسيارکم است.[[17]](#footnote-17) این جرایم بيشتر از جرایم عليه اموال، بر ضد اشخاص ارتکاب می یابند که اغلب به صورت تهدید و آزار و ضرب و جرح هستند. ولی جرم ناشی از نفرت می تواند عليه اموال یك انسان هم ارتکاب یابد، به شرط این که مبتنی بر انگيزه های نژادی و مذهبی و قومی و... قربانی که صاحب مال است باشد. در این صورت بيشتر به شکل ُ تخریب اموال و ایراد خسارت به اموال و تخریب اموال عمومی ارتکاب می یابد که غالباً محل عبادت یا گورستان یا بناهای تاریخی گروه مورد هدف قرار می گيرد. اما وقوع جرایمی چون سرقت و کلاهبرداری در جرم ناشی از نفرت بسيار کم است چون مرتکبان جرم ناشی از نفرت قصد انتفاع مالی ندارند. با این که این جرایم بيشتر شامل افراد و اموال آنان است، اما سازمان ها نيز در صورت ارتکاب این جرایم عليه آنان می توانند آماج قرار گيرند. یکی از مهمترین مولفه هایی که جرم ناشی از نفرت را از سایر جرایم متمایز می کند، گروه مورد هدف است. در این نوع جرایم نه تنها فرد و مال آماج قلمداد می شوند، بلکه این خصوصيت به تمام افراد متعلق به آن گروه یا اموال آنها یا سایر سازمان های تسری می یابد.**

**3-2-3-**رابطه سببیت

**رابطه سببيت ميان رفتار فیزیکی و نتيجه مجرمانه، یکی از اجرای عنصر مادی جرم می باشد یعنی رابطه این دو، رابطه سبب و مسبب یا علت و معلول است به گونه ای که اگر رفتار فیزیکی، سبب حصول نتيجه نشود موجب مسئوليت نخواهد بود. رابطه سببيت نياز به اثبات دارد و علاوه بر اینکه یك مسئله حقوقی است، یك مسئله عرفی و علمی هم است و اگر اثبات نشود فقط مرتکب را می توان در جرایم مقيد به نتيجه، به شروع به جرم محکوم نمود.[[18]](#footnote-18) تاثير همه سبب ها در پيدایی علت هميشه به یك درجه و ميزان نيست و بعضی سبب ها مقدم و بعضی دیگر موخر در وجود علت اند و تاثيری گاه ضعيف و گاه قوی در بروز نتيجه می بخشند..[[19]](#footnote-19) رابطه سببيت بيشتر در جرایم عليه اشخاص که بيشتر جرایم ناشی از نفرت هم از این نوع جرایم هستند، مطرح است و نتيجه حاصله یعنی وقوع جرم قتل و ایراد صدمات جسمانی، باید ناشی از رفتار متهم باشد. در مواردی که اسباب گوناگون در تحقق نتيجه موثر هستند، چهار نظریه مختلف وجود دارد که عبارتند از:**

* **نظریه خطای کيفری به عنوان شرط واجب یا ضروری نتيجه: به موجب این نظریه باید بررسی کنيم که آیا خطای کيفری شرط لازم و ضروری برای حصول نتيجه بوده است یا نه؟ به عبارتی به خطای اوليه توجه می کنيم.**
* **نظریه خطای کيفری به عنوان شرط متصل به نتيجه یا خطای بی واسطه: در این نظریه باید علل خيلی دور به نتيجه را رها کرد و تنها آخرین علت را مدنظر قرار داد.**
* **نظریه خطای کيفری به عنوان شرط متحرك نتيجه: به موجب این نظریه باید بين شرایط و عوامل ثابت و متحرك تفکیک قائل شد و فقط شرایط متحرك هستند که توانایی ایجاد تغييراتی در عالم خارج دارند و شرایط ثابت فاقد این قدرت هستند. اما این نظریه منجر به عدم مجازات ترك فعل می شود.**
* **.نظریه خطای کيفری به عنوان شرط کافی برای نتيجه: در این نظریه که منطقی تر و مناسب تر به نظر می رسد، باید به شرایط لازم و کافی توجه لازم را کرد و شرایط را برابر محسوب کرد و تمام شروط غير کافی را که برای حصول نتيجه کفایت نمی کنند طرد کرد و آنهایی را که مناسب برای تحقق نتيجه هستند برگزید و از طریق بررسی های علمی و عملی و کارشناسی این اقدامات را انجام داد.[[20]](#footnote-20)**

**3**-3- عنصر روانی جرم ناشی از نفرت

**با عنایت به این که جرایم ناشی از نفرت همواره به صورت عمدی ارتکاب می یابند، وجود عنصر روانی و قصد مجرمانه در آنها ضروری است. از این رو، در این بخش عنصر روانی جرایم عمدی به صورت گذرا مورد بررسی قرار می گيرد و از جرایم غير عمدی بحث نمی شود. واضح است که برای تحقق جرم، نقض اوامر و نواهی قانونگذار به تنهایی کافی نيست. فعل یا ترك فعل مجرمانه باید نتيجه خواست و اراده فاعل باشد و ميان فعل مادی و حالات روانی فاعل نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت.[[21]](#footnote-21) به عبارت دیگر برای تحقق جرم لازم است ميان عملی که قانونا قابل مجازات است و شخص عامل، رابطه روانی موجود باشد و آن رابطه اراده است.[[22]](#footnote-22)**

**در جرایم عمدی برای تحقق عنصر روانی، وجود قصد مجرمانه یا همان سوءنيت ضرورت دارد. دکتر صانعی قصد مجرمانه را به عنوان خواستن و ميل مرتکب در انجام یك عمل مجرمانه و خواستار شدن تحقق نتيجه آن تعریف کرده است.[[23]](#footnote-23) بنابراین قصد مجرمانه عبارت است از « اراده ی متمایل یا هدایت شده به سوی یك هدف مشخص» و در جرایم عمدی مورد بحث قرار می گيرد. در تعریف حقوقی، قصد مجرمانه را می توان خواستن قطعی و منجز به انجام عمل و یا ترك عملی دانست که قانون آن را نهی کرده است. با تعریف قصد می توان جرایم عمدی را از جرایم غيرعمدی تفکیک کرد. عمد در لغت به قصد کاری را انجام دادن آمده است و افعال عمدی تجلی قصد یا نيت انسان در جهتی است که فاعل مرید بوده است.[[24]](#footnote-24) جرایم عمدی جرایمی هستند که مجرم با قصد منجز مجرمانه یعنی با تمایل و خواستن انجام عملی را که قانون آن را منع کرده است و یا ترك فعلی که به موجب قانون ممنوع شده بدان مبادرت می ورزد. عنصر روانی جرم در جرایم عمدی همان « قصد مجرمانه» است که می تواند شاخص عمد در ارتکاب بزه باشد.**

**3-4-** مجازات جرایم ناشی از نفرت

**به طور کلی، قوانين جرایم ناشی از نفرت برای مجازات این جرایم، دو نوع رویکرد دارند که عبارتند از «جرم انگاری مستقل»[[25]](#footnote-25) و «افزایش مجازات»[[26]](#footnote-26)جرم مستقل، شامل جرم جداگانه ای است که انگيره تعصب و نفرت را به عنوان عنصر جدایی ناپذیر در تعریف قانونی جرم در نظر می گيرد و برای جرم با انگيزه تعصب، مجازات بيشتری مقرر می کند.**

**جرم انگاری مستقل همچنين در برخی موارد، شامل جرایم خشونت آميز و تهدیدآميز نسبت به گروه های خاصی از مردم به دليل ویژگی های مورد حمایت آنهاست. در این نوع قوانين، انگيزه نفرت باید در کيفرخواست به طور صریح ذکر شود و سپس اثبات شود. در اروپا، کشورهای انگلستان، جمهوری چك، لهستان و اسلواکی این رویکرد را برای قوانين جرایم ناشی از نفرت برگزیده اند. مثلا ماده 196 (2) قانون مجازات جمهوری چك برای اعمال خشونت عليه یك گروه مقيم یا عليه فرد، یا تهدید به مرگ، جراحت یا ایراد جدی آسيب به دليل اعتقاد سياسی، مليت، نژاد، عقيده و یا عدم اعتقاد مجازات حبس از شش ماه تا سه سال مقرر می کند.[[27]](#footnote-27)**

**5-** علل و عوامل شكل گیری جرایم ناشی از نفرت

**علل و عوامل اجتماعی و فرهنگی جرایم ناشی از نفرت عوامل اجتماعی متعددی در شکل گيری انگيزه نفرت و ارتکال جرایم ناشی از آن نقش ایفا می کنند. یکی از این عوامل به روابط سلطه گری ميان گروه های اجتماعی و روابط استعماری ميان کشورها مربوط می شود. طبق دیدگاه ارکسيستی، ریشه تعصب و پيش داوری را باید در روابط سلطه گری بين گروه های اجتماعی جستجو کرد. اعضای گروه های مسلط و حاکم، گروه های اقليت دیگر را ضعيف و عقب مانده می بينند.آنها همچنين سلطه گری خود را بدین صورت توجيه می کنند که آن گروه توانایی اداره کردن خود را دارند. اعضای گروه مسلط در اعضای گروه تحت سلطه ضعف های غيرقابل اصلاح، تنبلی، عقب ماندگی و بی فرهنگی می بينند و سعی می کنند با تسلط بر آنها، برای خودشان اعتبار و شرافت و قدرت به دست بياورند.[[28]](#footnote-28) وقتی گروهی قوی تر گروه ضعيف تر را استثمار می کند، می کوشد با اشاره به خصوصيات گروه ضعيف تر رفتار خود را توجيه کند تا با بزرگی و متانت آدم بکشد و خود را راضی کند که غصب حقوق دیگران زیبا و خوب است.[[29]](#footnote-29) به عنوان مثال، پيشداوری نسبت به سياهان و برده داری در آمریکا برای دست یابی به نيروی ارزان بود و تعدی کشورهای اروپایی به افریقا و هند به منظور استفاده از ثروت های آن قاره ها بود. برخی کشورهای غربی هنوز هم نسبت به سایر ملت ها جهان احساس برتری دارند و با این برتری استثمار را توجيه می کنند.[[30]](#footnote-30) عامل مهم دیگر در شکل گيری انگيزه نفرت و ارتکاب جرایم ناشی از آن به دسته بندی های اجتماعی مربوط می شود. همانگونه که برخی از محققان می گویند، ریشه و منشاء تعصب را باید در دسته بندی ها و جناح بندی های اجتماعی جستجو کرد. این دسته بندی ها ایجاد جدایی کرده، ارتباطات ميان گروه ها را می شوند و الزاما منجر به تعصب می گردد. شکست ارتباطات هم به نوبه خود به درگيری های واقعی و خيالی ميان گروه ها و دستجات منجر شده و موجب وفاداری اعضای هر گروه نسبت به گروه خود می شود. از این رو، اعضای گروه در برابر افراد خارج از گروه متعصب می شوند.[[31]](#footnote-31)**

**5-1-** علل و عوامل سیاسی جرایم ناشی از نفرت

**در شکل گيری انگيزه نفرت و ارتکاب جرایم ناشی از آن، عوامل سياسی نيز نقش مهم ایفا می کنند. یکی از این عوامل، به نحوه عملکرد احزاب سياسی و سازمان های دیگر مانند گروه راست افراطی مربوط است. گفتمان های سياسی و اجتماعی غالب که مهاجران، ناتوانان و اقليت های قومی، مذهبی و جنسيتی را با عنوان های متفاوت، ناقص و یا تهدید می شناسند، نفرت را در ميان عموم مردم تقویت کرده و در نتيجه، زمينه را برای ارتکاب جرایم ناشی از آن، فراهم می کنند.[[32]](#footnote-32) به عنوان مثال، بعد از حملات یازده سپتامبر سال 2001 موج اسلام هراسی در آمریکا و اروپا شکل گرفت و به دنبال آن جرایم ناشی از نفرت عليه مسلمانان با این تصور که آنان تروریست بوده و با رهبران القاعده و گروه های تکفیری در ارتباط اند، شدت یافت.**

**5-2-** علل شیوع جرایم ناشی از نفرت در مدارس

**این علل بیشتر مرتبط با ویژگی های ذاتی و مختص دوران جوانی است.**

* **به علت قلیان احساسات ، هیجانات و عدم کنترل بر روی آن**
* **به علت عدم تعادل روحی و ثبات فکری**
* **به علت الگوسازی سریع و تقلید رفتارهای بزرگسالان**
* **شیوع و سهولت افراطی گری**
* **تمایل سریع به تشکیل گروه ها و عضویت در آن ها**

**6-** پیشگیری از جرایم ناشی از تنفر

**نشانه و علایم نفرت بیشتر توسط گروه های اجتماعی و مدافع حقوق بشر گزارش می گردد.**

**بنیان های پیشگیری از جرایم ناشی از تنفر در موارد ذیل استوار است:**

* **تقویت دانش و آگاهی های فردی و اجتماعی**
* **تقویت رویحه همبستگی و همزیستی مسالمت آمیز**
* **تقویت نفوذ نهادهای پلیسی و قانون گذاری در حوزه این جرایم**

**6-1-** حمایت از قربانی

**حمایت از قربانی یکی از استراتزی هی مهم در پیشگیری می باشد به لحاظ این که آمارها و تحقیقات نشان می دهند که بسیاری از جرایم ناشی از تنفر توسط قربانیان این جرایم به منظور اقدامات انتقامی و تلاقی جویانه صورت پذیرفته بنابراین اقدامات حمایتی از قربانی کمک بسیاری شایانی به امر پیشگیری می نماید. قربانی جرایم ناشی از تنفر یک بار از آثار جرم صدمه می بیند ولی اگر حمایتی از او نگردد صدمه دوم را از طرد توسط نهادهای قضایی و حمایتی می بنند که این طرد آثار بسیار مخربی از جمله اخمال تبدیل شدن قربانی به مجرم انتقامی را در پی دارد.**

**6-2-** رفع مصادیق تبعیض

**در یک جامعه که ریسک ارتاب جرایم ناشی از تنفر در آن زیاد است تدوین استراتزی های پیشگیرانه به منظور حذف مظاهر و مصادیق تبعیض بسیار حائز اهمیت می باشد زیرا وجود سیاست ها و رفتار های تبعیض آمیز در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جنسیتی و سایر زمینه ها باعث ایجاد رفتارهای تنفر برانگیز مردم به یک دیگر می گردد.**

نتیجه گیری

**جرایم ناشی از نفرت که از دهه 1980 در ایالات متحده آمریکا و کشورهای دیگر رایج و وارد قلمرو مطالعاتی حقوق کيفری و جرم شناسی شد، اعمال مجرمانه ای است که با انگيزه نفرت از قوميت، نژاد، مليت، مذهب، معلوليت ، جنسيت ، گرایش جنسی و به طور کلی ویژگی های هویتی قربانی ارتکاب می یابد. پيدایش این مفهوم و وضع قوانين جرایم ناشی از نفرت، حاصل پیکار موفقيت آميز گروه های ضد نژادپرستی و گروه های حمایت از حقوق زنان از یك طرف، و آموزه های جرم شناسان انتقادی به ویژه جرم شناسی انتقادی نژادی و جرم شناسی پست مدرن از طرف دیگر بوده است. در این جرایم، ویژگی هویتی قربانی، مرتکب را تحریك به حمله می کند. ویژگی های خاصی که این جرایم را از جرایم دیگر متمایز می سازد، عبارتند از: نفرت آلود بودن و وجود انگيزه نفرت در ارتکاب جرم، فقدان رابطه ميان برهکار و بزه دیده، خشونت آميز بودن، عدم تقصير بزه دیدگان، ارتکاب جرم توسط افراد جوان و ارتکاب جرم در مناطق شهری و اماکن عمومی.نفرت، احساسات پایدار خشم است که موجب می شود فرد از مشاهده یا تحميل درد و رنج در شخص مورد تنفر،احساس لذت کند و این احساس هميشه به طور وسواسی و تقریبا هميشه غير منطقی است.در حقوق کيفری ایران، قانونی با عنوان قانون جرایم ناشی از نفرت تاکنون وضع نشده است. اما قانون مجازات تبليغ تبعيض نژادی مصوب 1356 تبليغ و نشر افکار مبتنی بر تبعيض بر اساس جنس و نژاد و نفرت نژادی و تحریك به آن از طریق تبليغ عمومی را به طور مستقل جرم انگاری کرده است. لکن عنصر مادی جرم تبليغ نژادی شامل جرایم عليه اشخاص و اموال نيست. امروزه با توجه به تنوع قومی و مذهبی ایران، مقنن ایران نه تنها چنين جرایمی را جرم انگاری نکرده و ارتکاب جرم با انگيزه های نژادی، قومی، ملی و مذهبی هيچ تاثيری در ميزان مجازات ندارد، بلکه با وضع قوانين تبعيض آميز بر پایه مذهب و جنسيت برهکار و بزه دیده، موجب نوعی نفرت بالقوه در غيرمسلمانان و زنان و نيز موجب تجری مسلمانان و مردان می گردد. لازم است بر اساس اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول 14 و 19و26و29 این قانون، از گروه ها و قشرهای آسيب پذیر و اقليت جامعه مانند معلولين، بيماران صعب العلاج، اقليت های مذهبی و قومی و زنان نيز در صورت بزه دیده واقع شدن، حمایت بيشتری به عمل آید.**

**منابع**

1. Megan Sullaway, Psychological perspective on hate crime laws, (Psychology, Public Policy and Law, Vol. 10, No. 3, 2004) 250
2. www.assembly.state.ny.us/leg/?cl=82&a=81) New York state Hate crime Act 2000.Article 485
3. Margaret Shaw and Olivier Barchechat, Preventing hate crimes: International strategies and practice, (International Centre for the Prevention of Crime Assisting cities and countries to reduce delinquency, violence, and insecurity, 2002) 7
4. College of Policing Limited, Hate Crime Operational Guidance, (Leamington Road Ryton-on- Dunsmore Coventry, CV8 3EN, 2014) 2
5. Jack Levin and, Jack McDevitt, Hate Crimes, (Prepared for The Encyclopedia Of Peace, Violence, And Conflict, 2nd ed., Academic Press, expected Northeastern University, 2008) 3
6. James B. Jacobs, The Emergence *and* Implications of American Hate Crime Jurisprudence, (in Hate Crime: The Global Politics Of Polarization 150, 161, 1998) 161.
7. Bronwyn Harris, Arranging Prejudice: Exploring Hate Crime in post-apartheid South Africa, (Race and Citizenship in Transition Series, CSVR, Centre for the study of violence and reconciliation,2004) 26
8. Matthew Shepard and James Byrd, Jr. Hate Crimes Prevention Act
9. http://thecaucus.blogs.nytimes.com/2009/10/28/obama-signs-hate-crimes-bill/, accessed 3 February 2016
10. Colin Roberts, Martin Innes, Matthew Williams, Jasmin Tregidga and David Gadd,
11. Understanding who commits hate crime and why they do it (Welsh Government Social Research, Cardiff University, 2013) 27
12. Nathan Hall, Hate Crime ,Crime and Society Series, (Routledge Hate Crime Statistics, Federal Bureau of Investigation, 2005) 25
13. Colin Roberts, Martin Innes, Matthew Williams, Jasmin Tregidga and David Gadd,
14. Understanding who commits hate crime and why they do it (Welsh Government Social Research, Cardiff University, 2013) 37
15. **حجت سبزواری نزاد، نقش و مذهب قربانی جرم در تعیین مجازات در قوانین کیفری ایران و انگلستان ، مجله حقوقی دادگستری ، دوره 74، شماره 71، 1389، ص82**
16. **محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، مرکز نشر داد، تهران، 1372، ص221**
17. **زراعت، عباس،حقوق جزای عمومی 1 و 2 ، انتشارات جاویدانه ،جنگل، چاپ چهارم ،1393 ،ص146**
18. **محمدعلی اردبيلی حقوق جزای عمومی، جلد نخست، نشر میزان ،چاپ سی و دو ،زمستان، 1392 ،ص364**
19. **رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، چاپ یست و هشتم،1389، ص168**
20. **هوشنگ شامبياتی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات ویستار، چاپ پنجم،1374، ص363**
21. **پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم،1371، ص311**
22. **محدث اردبيلی، سید علی ،روانشناختی اجتماعی، کتابفروشی مرتضوی ،تهران ،بین الحرمین، 1353 ،ص52**
23. **مسعود آذربایجانی و دیگران، روانشاختی احتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، 1382 ،ص212**
1. . Megan Sullaway, **Psychological perspective on hate crime laws**, (Psychology, Public Policy and Law, Vol. 10, No. 3, 2004) 250 [↑](#footnote-ref-1)
2. . www.assembly.state.ny.us/leg/?cl=82&a=81) New York state Hate crime Act 2000.Article 485 [↑](#footnote-ref-2)
3. . Margaret Shaw and Olivier Barchechat, P**reventing hate crimes: International strategies and practice,** (International Centre for the Prevention of Crime Assisting cities and countries to reduce delinquency, violence, and insecurity, 2002) 7 [↑](#footnote-ref-3)
4. . College of Policing Limited, **Hate Crime Operational Guidance, (**Leamington Road Ryton-on- Dunsmore Coventry, CV8 3EN, 2014) 2 [↑](#footnote-ref-4)
5. . Jack Levin and, Jack McDevitt, **Hate Crimes, (**Prepared for The Encyclopedia Of Peace, Violence, And Conflict, 2nd ed., Academic Press, expected Northeastern University, 2008) 3 [↑](#footnote-ref-5)
6. .حریم عباحی، ص566 [↑](#footnote-ref-6)
7. . James B. Jacobs, **The Emergence *and* Implications of American Hate Crime Jurisprudenc**e, (in Hate Crime: The Global Politics Of Polarization 150, 161, 1998) 161. [↑](#footnote-ref-7)
8. . هنری ام وبلسکی، ام هس، ص159 [↑](#footnote-ref-8)
9. .همان [↑](#footnote-ref-9)
10. . Janet Reno & others, op.cit. 23 [↑](#footnote-ref-10)
11. . Bronwyn Harris, **Arranging Prejudice: Exploring Hate Crime in post-apartheid South Africa, (**Race and Citizenship in Transition Series, CSVR, Centre for the study of violence and reconciliation,2004) 26 [↑](#footnote-ref-11)
12. . Matthew Shepard and James Byrd, Jr. Hate Crimes Prevention Act [↑](#footnote-ref-12)
13. . http://thecaucus.blogs.nytimes.com/2009/10/28/obama-signs-hate-crimes-bill/, accessed 3 February 2016 [↑](#footnote-ref-13)
14. . Race Relations (Amendment) Act 2000 [↑](#footnote-ref-14)
15. .حجت سبزواری نزاد، نقش و مذهب قربانی جرم در تعیین مجازات در قوانین کیفری ایران و انگلستان ، مجله حقوقی دادگستری ، دوره 74، شماره 71، 1389، ص82 [↑](#footnote-ref-15)
16. .محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، مرکز نشر داد، تهران، 1372، ص221 [↑](#footnote-ref-16)
17. . Colin Roberts, Martin Innes, Matthew Williams, Jasmin Tregidga and David Gadd,

**Understanding who commits hate crime and why they do it** (Welsh Government Social Research, Cardiff University, 2013) 27 [↑](#footnote-ref-17)
18. . زراعت، عباس،حقوق جزای عمومی 1 و 2 ، انتشارات جاویدانه ،جنگل، چاپ چهارم ،1393 ،ص146 [↑](#footnote-ref-18)
19. . محمدعلی اردبيلی حقوق جزای عمومی، جلد نخست، نشر میزان ،چاپ سی و دو ،زمستان، 1392 ،ص364 [↑](#footnote-ref-19)
20. . رضا نوربها، **زمینه حقوق جزای عمومی**، نشر دادآفرین، چاپ یست و هشتم،1389، ص168 [↑](#footnote-ref-20)
21. . محمدعلی اردبيلی،همان، ص364 [↑](#footnote-ref-21)
22. . هوشنگ شامبياتی، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، انتشارات ویستار، چاپ پنجم،1374، ص363 [↑](#footnote-ref-22)
23. . پرویز صانعی، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم،1371، ص311 [↑](#footnote-ref-23)
24. . محمدعلی اردبيلی،پیشین،ص337 [↑](#footnote-ref-24)
25. . substantive offences [↑](#footnote-ref-25)
26. . penalty enhancement [↑](#footnote-ref-26)
27. . OSCE, 2014, op.cit. 26-27 [↑](#footnote-ref-27)
28. . لوك بدار، ژوزه دزیل و لوك لامارش ،ص173 [↑](#footnote-ref-28)
29. . محدث اردبيلی، سید علی ،روانشناختی اجتماعی، کتابفروشی مرتضوی ،تهران ،بین الحرمین، 1353 ،ص52 [↑](#footnote-ref-29)
30. . مسعود آذربایجانی و دیگران، روانشاختی احتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، 1382 ،ص212 [↑](#footnote-ref-30)
31. . Nathan Hall, **Hate Crime ,Crime and Society Series,** (Routledge Hate Crime Statistics, Federal Bureau of Investigation, 2005) 25 [↑](#footnote-ref-31)
32. . Colin Roberts, Martin Innes, Matthew Williams, Jasmin Tregidga and David Gadd,

**Understanding who commits hate crime and why they do it** (Welsh Government Social Research, Cardiff University, 2013) 37 [↑](#footnote-ref-32)